

تقویت بنیه اقتصادی شیعیان

پیشوایان اسلام را بهتر بشناسیم
شاگردان مکتب پیشوای هفتم (ع)

مهدی پیشوائی

بی شک هر جمعیت و گروهی که هدف مشترکی دارند، برای سازمان دهی و شکل بنسبندی نیروهای خود، به منظور پیشبرد اهداف مشترک، نیاز به منابع مالی دارند و در صورت قطع عواید مالی، هرگونه فعالیت و جنبشی فلج می گردد، شیعیان نیز بر اساس این اصل کلی، در ادامه حیات و تعقیب آرمانهای مقدس خود، همواره نیازمند پشتوانه مالی بودند ولی در ادوار مختلف تاریخ به ویژه نیروهای مبارزان همواره در فشار اقتصادی بسر می بردند و حکومتهای وقت، به منظور تضعیف نیروهای آنان، غالباً آنان را از راههای گوناگون در فشار اقتصادی قرار می دادند.

در این زمینه علاوه بر گرفتن "فدک" از فاطمه زهرا (ع) و بی‌سپاری بی‌دریغی داشت و هدف از آن تضعیف اقتصادی موضع امیر مؤمنان (ع) و بنی هاشم بود، نمونه های فراوانی در تاریخ اسلام به چشم می خورد که یکی از آنها روش معاویه با شیعیان به ویژه بنی هاشم بود، یکی از تاکتیکهایی که معاویه بمنظور اخذ بیعت از حسین بن علی (ع) برای ولیعهدی یزید، به آن متوسل شد، قطع مقرری بنی هاشم از بیت المال بود تا بدینوسیله او را زیر فشار گذاشته و ادار به بیعت کند.^۱

نمونه دیگر، فشار اقتصادی "ابوجعفر منصور (دومین خلیفه عباسی) بود، منصور برنامه سیاه گرسنگی و فلج سازی اقتصادی را در سطح وسیع و گسترده ای اجرا می کرد و هدف او این بود که مردم، نیازمند و گرسنه و منگی به او باشند و همیشه در فکر سیر کردن شکم خود بوده مجال اندیشه در مسائل بزرگ اجتماعی را نداشته باشند، او

روزی در حضور جمعی از خواص درباریان بالحن زنده‌های، انگیزه خود را از گرسنه نگه داشتن مردم چنین بیان کرد " اعراب چادر نشین در ضرب المثل خود، خوب گفته اند که سگ خود را گرسنه نگهدار تا به طمع نان دنبال تو بیاید!"^۲

و در این فشار اقتصادی سهم شیعیان و علویان بیش از همه بود زیرا آنان همیشه پیشگام و پیشاهنگ مبارزه با خلفای ستمگر بودند.

باری دوران خلافت هارون نیز از این برنامه کلی مستثنی نبود، زیرا او با قبضه بیت المال مسلمانان و صرف آن در راه هوسرانیها و نوالهوسیهها و تجمل پرستیهای خود و اطرافیانش شیعیان را از حقوق مشروع خود محروم کرده بود و از این راه نیروهای آنان را به تحلیل می برد.

علی بن یقطین یار وفادار و صمیمی پیشوای هفتم که علیرغم کارشکنی‌های مخالفان شیعه اعتماد هارون را جلب نموده و وزارت او را در کشور پهناور اسلامی به عهده گرفته بود، به این مطلب به خوبی توجه داشت، و با استفاده از تمام امکانات، از هر کوششی در حمایت و پشتیبانی از شیعیان دریغ نمی ورزید مخصوصاً در تقویت بنیه مالی شیعیان و رساندن "خمس" اموال خود (که جمعا مبلغ قابل توجهی را تشکیل می داد و گاهی بالغ بر صد هزار تا سیصد هزار درهم می شد)^۳ به پیشوای هفتم کوشش می کرد و میدانیم که خمس، در واقع پشتوانه مالی حکومت اسلامی است.

پسر علی بن یقطین می گوید امام کاظم (ع) هر چیزی لازم داشت یا هر کسار مهمی که پیش می آمد، به پدرم نامه می نوشت که فلان چیز را برای من خریداری کن یا فلان کار را انجام بده ولی این کار را بوسیله "هشام بن حکم" انجام بده، و قید همکاری هشام، فقط در موارد مهم و حساس بود^۴

در سفری که امام کاظم (ع) به عراق نمود، علی از وضع خود به امام شکوه نموده گفت آیا وضع و حال مرا می بینید (که در چه دستگاهی قرار گرفته و با چه مردمی سرو کار دارم؟) امام فرمود خداوند مردان محبوبی در میان ستمگران دارد که بوسیله آنان از بندگان خوب خود حمایت می کند و تو از آن مردان محبوب خدائی^۵

بار دیگر علی، در مورد همکاری با بنی عباس، از پیشوای هفتم (ع) کسب تکلیف نمود، امام فرمود اگر ناگزیری این کار را انجام بدهی مواظب اموال شیعیان باش.

علی بن یقطین فرمان امام را پذیرفت، و روی همین اصل، مالیات دولتی را بر حسب ظاهر از شیعیان وصول می کرد، ولی مخفیانه به آنان مسترد می نمود^۶ و علت آن این بود که حکومت هارون یک حکومت اسلامی نبود که رعایت مقررات آن بر مسلمانان

واجب باشد .

نواب حج

یکی از افتخارات علی بن یقطین در تاریخ ، این است که همه ساله عده‌ای را به نیابت از طرف خود ، به زیارت خانه خدا میفرستاد و به هرکدام از ده هزار تا بیست هزار درهم می پرداخت^۷ تعداد این عده در سال ، ۱۵۰ و گاهی بالغ بر ۲۵۰ یا ۳۰۰ نفر می شد .^۸

این عمل ، با توجه به اهمیت و فضیلت خاص عمل حج در آئین اسلام ، بی شک نمودار ایمان و پارسایی ویژه علی بن یقطین بشمار می رود ولی با در نظر گرفتن تعداد قابل توجه این عده ، و نیز با نگرش به مبالغ هنگفتی که علی به آنان می پرداخت ، مسئله ، عمق بیشتری پیدا می کند .

اگر از گروه نمایان حج و مبلغی که به آنها پرداخت می شد ، میانگین بگیریم و مثلا تعداد آنان را ۲۰۰ نفر و مبلغ پرداختی را ده هزار درهم بگیریم ، جمعا مبلغی در حدود ۲ میلیون درهم را تشکیل می دهد .

از طرف دیگر ، این مبلغ که هر سال پرداخت می شد ، مسلما گوشه ای از مخارج سالیانه علی بن یقطین و از مازاد هزینه‌های جاری و باقیمانده پرداخت حقوق مالی مثل زکات و خمس و سایر صدقات مستحبی و بخششها و امثال اینها بوده است .

با این حساب تقریبی ، جمع عواید علی بن یقطین ، چه مقدار می بایست باشد تا کفاف این مبالغ را بدهد ؟

در میان دانشمندان شیعه ، مرحوم شیخ بهائی نخستین کسی است که به این مسئله توجه پیدا کرده است . و نکته لطیف این مطلب را چنین بیان می کند " گمان می کنم امام کاظم (ع) اجازه تصرف در خراج و بیت المال مسلمانان را به علی بن یقطین داده بود و علی ، از این اموال به عنوان اجرت حج ، به شیعیان می پرداخت تا بهانه‌ای برای ایراد و اعتراض به دست مخالفان ندهد^۹ بنابراین عمل اعزام نواب حج ، در واقع یک برنامه حساب شده و منظم بود و علی ، زیر پوشش این کار ، بنیه اقتصادی شیعیان را تقویت مینمود .

مؤید این مطلب این است که در میان نواب حج ، شخصیت‌های بزرگی مثل " عبدالرحمن حجاج " و " عبدالله بن یحیی گاهلی " به چشم می خوردند که از یاران

خاص و مورد علاقه امام بودند و طبعا مطرود دستگاه حکومت و محروم از مزایا^{۱۱۹۱} نکته دیگری که در این برنامه، علی بن یقظین بنظر میرسد، شرکت دادن شیعیان بخصوص بزرگان آنان در کنگره بزرگ حج بود تا از این رهگذر به معرفی چهره شیعه و بحث و مناظره با فرقه‌های دیگر بپردازند و یک موج فرهنگی شیعی بوجود آورند.

این لباس را نگهدار...

علی بن یقظین در پرتو این خدمات، همواره مورد تایید و حمایت بی دریغ امام کاظم (ع) بود و چندین بار در اثر تدبیر امام از خطر قطعی رهایی یافت که یکی از آنها جریان زیر است

یکسال هارون تعدادی لباس به عنوان خلعت به علی بخشید که در میان آنها یک لباس خز مشکی رنگ زربفت از نوع لباس ویژه خلفا بود، علی، اکثر آن لباس‌ها را که لباس گرانبیست زربفت نیز جزء آنها بود، به امام کاظم (ع) اهدا کرد و همراه لباسها اموالی را نیز که قبلا طبق معمول به عنوان "خمس" آماده کرده بود، محضر امام فرستاد.

حضرت همه اموال و لباس‌ها را پذیرفت، ولی آن یک لباس مخصوص را پس فرستاد و طی نامه‌ای نوشت این لباس را نگهدار و از دست مده، زیرا در حادثه‌ای که برایت پیش می‌آید، به دردت می‌خورد.

علی بن یقظین از راز رد آن لباس آگاه نشد ولی آن را حفظ کرد، اتفاقاً روزی یکی از خدمتگزاران خاص خود را بعلت کوتاهی در انجام وظیفه، تنبیه و از کار برکنار کرد، آن شخص که از ارتباط علی، با امام کاظم (ع) و اموال و هدایایی که او برای حضرت می‌فرستاد، آگاهی داشت از علی نزد هارون سعایت کرد و گفت او معتقد به امامت موسی بن جعفر است و هر سال خمس اموال خود را برای او می‌فرستد.

آنگاه داستان لباس‌ها را گواه آورد و گفت لباس مخصوصی را که خلیفه در فلان تاریخ به او اهدا کرده بود، به موسی بن جعفر داده است.

هارون از شنیدن این خبر سخت خشمگین شد و گفت حقیقت جریان را بایست بدست بیاورم و اگر ادعای تو راست باشد خون او را خواهم ریخت و بلافاصله علی را احضار کرد، از آن پرسش نمود

وی گفت آن را دریک بقیچه گذاشته‌ام و اکنون محفوظ است .

هارون گفت فوراً آنرا بیاور .

پسر یقظین فوراً یکی از خدمتگزاران خود را فرستاد و گفت به فلان اطاق خانه ما برو و کلید آنرا از صندوقدار بگیر و در اطاق را باز کن و سپس در فلان صندوق را باز کن و بقیچه‌ای را که در داخل آنست با همان مهری که دارد ، اینجا بیاورد .

طولی نکشید غلام ، لباس را بهمان شکلی که قبلاً مهر شده بود ، آورد و در برابر هارون نهاد ، هارون دستور داد مهر آن را بشکنند و سر آن را باز کنند ، وقتی که بقیچه را باز کردند دید همان لباس است که عیناً تا شده است .

خشم هارون فرو نشست و به علی گفت بعد از این هرگز سخن هیچ سعایت‌کننده ای را در باره تو باور نخواهم کرد ، و آنگاه دستور داد جایزه ارزنده‌ای به او دادند و شخص سعایت‌کننده را سخت تنبیه نمودند . ۱۲

۱- پژوهشی پیرامون زندگانی حسین بن علی (ع) ص ۱۵۳

۲- در این زمینه به شماره ۱ سال ۱۶ این مجله مراجعه شود

۳- رجال کشی ص ۴۳۴

۴- مدرک گذشته ص ۲۶۹

۵- مدرک گذشته ص ۴۳۳

۶- بحار الانوار ج ۴۸ ص ۱۵۸

۷- این مبلغ ، کمتر از این نیز نقل شده است و گویا بحسب شخصیت و موقعیت افراد فرق می‌کرده است

۸- رجال کشی ص ۴۳۷ و ۴۳۴

۹- رجال ماقانی ج ۱ ص ۳۱۶

۱۰- رجال کشی ص ۴۳۵

۱۱- عبدالرحمن بن حجاج که از محضر امام صادق (ع) نیز بهره‌ها برده بود ، از شخصیت‌های پاک و برجسته و ممتاز شیعه بود (رجال نجاشی ص ۱۷۸) امام ششم به او میفرمود ای عبدالرحمن با مردم مدینه به گفتگو (و بحث علمی) بپرداز زیرا من دوست دارم در میان رجال شیعه ، افرادی مثل تو باشم (جامع الرواة ج ۱ ص ۴۴۷- رجال کشی ص ۴۴۲)

عبدالله بن یحیی کاهلی نیز از وزنه خاصی در محضر امام کاظم (ع) برخوردار بود بطوری که امام بارها در مورد او به علی بن یقظین سفارش می‌نمود ، چنانکه روزی فرمود تا من رفاه کاهلی و خانواده او را تضمین کن تا بهشت را برای تو تضمین نمایم . (نجاشی ص ۱۶۴- رجال کشی ص ۴۵۲)

علی نیز طبق دستور امام از هر جهت زندگی کاهلی و افراد خانواده و خویشان او را تا آخر عمر وی تضمین می‌کرد و او را زیر پوشش تکفل و حمایت بیدریغ قرار داده بود (مدرک اخیر ص ۴۴۸) .

۱۲- ارشاد مفید ص ۲۹۳ - نورالابصار ص ۱۵۵ - الفصول المهمة ص ۲۱۸ مناقب ابن

شهر آشوب ج ۴ ص ۲۸۹